

داستان طالوت و تفکیک میان قدرت سیاسی و دینی

حیدر حب الله

ترجمه: سعید نورا

سوال^۱: آیا می توان بر اساس داستان طالوت و پیامبر زمانش استنباط کرد که رهبری دینی همیشه مستلزم رهبری سیاسی نیست، بلکه می توان آنها را از هم جدا نمود؟

پاسخ: به نظر من این مسئله قویا محتمل است زیرا پیامبر زمانه آنان به آنان خبر داد که خداوند قدرت سیاسی را در اختیار طالوت قرار داده و علیرغم اینکه خداوند او را دارای قدرت علمی و بدنی معرفی می نماید اما او را پیامبر نمی داند و این به معنای امکان تفکیک بین رهبری عالی دینی و قدرت سیاسی است و آیات قرآن نیز تعیین نفرموده علم طالوت در زمینه دین بوده یا سیاست یا جنگ؟ در نتیجه نمی توان به این آیات استدلال کرد که این علم اختصاص به مجال دینی داشته است. اما از اینکه نشانه سلطنت او آوردن تابوت دارای سکینه الهی و مانند آن بود بر می آید که به نوعی مورد تأیید خاص خداوند بوده است. افزون بر این، عقل منعی از این تفکیک ندارد زیرا تلازمی همیشگی میان رسالت و نبوت و رهبری سیاسی وجود ندارد و بلکه این موضوع تابع دلیل است.

^۱ حیدر حب الله، إضاءات فی الفكر والدين والاجتماع ۱: سوال ۱۵۷.

اما این ادله هیچکدام با ادله پیوند قدرت سیاسی و دینی رویارویی نمی‌کند؛ و کسی که به این ادله تمسک می‌کند و آن را تمام و صحیح می‌داند اگر نگوید که ملک طالوت تنها قدرت نظامی بوده است، می‌تواند داستان طالوت را جزو احکام ادیان گذشته به شمار آورد که در اسلام دلیلی بر منسوخ شدنش داریم، کما اینکه دلیل عقل بر عدم تلازم حتمی میان دو قدرت به معنی دلیل بر حتمی بودن تفکیک بین این دو نیست و اگر بتوان برای تلازم دلیل آورد بدون هیچ منافاتی بر حکم عقل مقدم خواهد بود.